

■ ناصر پاکدامن - کوچک اصفهانی

## کاشان در صد سال پیش\*



نزدیک صد سال پیش حکام ایران به مأموران خود در ولایات و ایالات «ممالک محروسه» دستور دادند تا هر یک به شمارش تعداد نفوس ولایت یا ایالت خود اقدام کنند. بدرستی دانسته نیست که از این «دستورات و اوامر جهانمطاع» تا چه اندازه و در چه مناطق و آن هم به چه شکلی اطاعت شده است. آنچه هست این است که اکنون حاصل این «سرشماریها» در برخی از مجموعه‌های خطی وجود دارد (مهمنترین این مجموعه‌ها، هشت مجلد «مجموعه ناصری» در

\* برگرفته از: کتاب *القبا دوره جدید*, ج ۱ (زمستان ۱۳۶۰) ص ۶۹-۶۳. (عنوان کامل مقاله: کاشان، قزوین، همدان در صد سال پیش - در این مقاله فقط فضیلت مربوط به کاشان آمده است).



کتابخانه گلستان است. سالها پیش، ایرج افشار فهرستی از محتویات این مجموعه را در «فرهنگ ایران زمین»، ج ۹، ۱۳۷۷، ص ۴۷۱-۱۴۷، انتشار داد). جمع‌آوری، استخراج و معرفی نتایج این «سرشماریها» می‌تواند اطلاعات گرانبهای را از جمعیت، جامعه و اقتصاد شهرها و نواحی مختلف ایران در نیمة دوم قرن نوزدهم در اختیار ما بگذارد. در این مختصر، نتایج سه سرشماری کاشان، قزوین و همدان ارائه می‌گردد. نسخه دستنویس این سرشماریها در مجموعه ناصری ضبط است.

### کاشان (۱۲۵۸ شمسی / ۱۲۹۶ قمری / ۱۸۷۹ میلادی)

شمارش نفوس کاشان در سنه توشقان ییل (۱۲۵۸ شمسی) مطابق سنه ۱۲۹۶ قمری انجام یافته است و به این مناسبت «حالات و کیفیات بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان... حسب الامر امنای دولت... و فرمایش جناب اعتضادالدوله مفصلأً «قلمی» شده است. در پایان نسخه، نویسنده تأکید می‌کند که «حسب الحكم جناب جلالتماب... آفای اعتضادالدوله کتاب احوالات کاشان قلمی گردید. امید به نظر مرحمت ملاحظه نموده چشم از اغلاط فاسد او پوشد و کان ذلک به تاریخ ۲۹ شهر رمضان المبارک هذه السنه توشقان ییل خیریت دلیل مطابق سنه ۱۲۹۶ هجری...».

در آغاز این نسخه، نویسنده شرحی در تاریخ کاشان می‌نویسد که از این شرح آنچه را حاوی اطلاعاتی درباره شهر کاشان در ایام نویسنده است نقل می‌کنیم: (ارقام بین الهالین، ارجاع به ورقهای نسخه خطی است):

#### ۱- وضع طبیعی

«اولاًً معروض می‌دارد که شهر کاشان از ولایات مستحدثة اسلام است... در میان دارالسلطنه اصفهان و دارالایمان قم واقع است... شهری است آراسته و پیراسته چنانچه در السنه و افواه مشهور به عروس عراق است. اگرچه به حسب طول و عرض کمتر از دارالایمان قم است لکن در آبادی و جمعیت بهتر و بیشتر از قم است چنانچه نفوس بلده و بلوکات آنجا دو برابر شهر و بلوکات قم می‌باشد.

هوای آنجا میل به گرمی دارد چنانچه غله آنجا را در چهل روز از عید نوروز سلطانی حصادت می‌یابد».

«... در عهد سلطنت خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار که چهل سال اهالی ایران در مهد امن و امان آسوده بودند اهالی کاشان بقدر وسع و طاعت خود در آبادی کوشیدند. در معیزی مرحوم میرور آقا بابا مستوفی آشتیانی معیزی شده این مالیات مقرر را بر آنها وارد آورده تا آنکه اکثری از طایفة غفاری که رئیس آنها مرحوم فرخ خان امین الدوله بود در سلک چاکران دریار

معدلت مدار انتظام یافتند از تربیت امنی دولت و رأفت ملوکانه در حق آن جماعت، کاشان و توابع اشک روضه رضوان شد. اکثری از بیلاقات و کویر را آباد ساختند و بعضی را تجار در صدد آبادی برآمدند که مزارع جدید النسق کاشان از آنهاست و به جهت مالیات جدید النسق از دریار معدلت مدار میرزا هادی مستوفی مأمور به ممیزی شده، درین عمل به موت فجاء درگذشت و این عمل به همان مالیات قدیم معمول و برقرار مانده. حالت مستغلات و تعداد نفوس و قراء گرسیر و بیلاقات و استعداد آنها در تحت دفعات قلمی خواهد شد تا واضح باشد» (۱۴۰، الف و ب).

## ۲- تعداد نفوس بلده، توابع و بلوکات کاشان

در این نسخه، نفوس کاشان، توابع و بلوکات آن به دست داده شده است. نفوس کاشان «از قرار خانه‌شماری در هذله السنه توشقان ثیل» (۱۲۵۸) ذکر گردیده است و «حسب الحکم... آقای اعتضادالدوله، کدخدایان و ریشن سفیدان بلده و بلوک از روی تحقیق ثبت و سیاهه داده‌اند که از هر قریه فرد امامی آنها را داده‌اند» ولی «چون مفصلًاً موجب توطیل می‌شود» تنها خلاصه تعداد نفوس شهر، توابع و بلوکات آن ذکر شده است.

در مورد کاشان، فقط رقم نفوس کل شهر و توزیع آن بحسب زن و مرد و اطفال ذکر گردیده است و به خلاف آنچه در خانه شماری‌های دیگر دیده می‌شود در اینجا نه نامی از محلات شهر برده می‌شود و نه از جمیعت هر یک از آنها سخنی به میان می‌آید. براساس نتایج این خانه‌شماری، در سال ۱۲۵۸، جمیعت کاشان ۲۱۶۹۹ تن بوده است و این جمیعت در ۴۵۳۷ خانه زندگی می‌کرده است. نویسنده درباره جمیعت کاشان می‌نویسد: «به قدر ربع آنها علماء و سادات هستند که بعضی از آنها سمت تحصیل و درس و بحث دارند و برخی داخل تجار و کسبه بازار هستند».

در شهر کاشان، اقلیتی یهود مذهب نیز زندگی می‌کرده است. برطبق این سرشماری، شماره یهود مذهبان کاشان ششصد تن بوده است که در ۱۷۳ خانه زندگی می‌کرده‌اند.

پس از این به اهمیت شعریافی و مسگری در کاشان آن زمان اشاره می‌شود و در بحث از تجهیزات شهری خواهیم دید که در این شهر، ۴۴۸ دستگاه شعریافی وجود داشته است. در شهر کاشان، همچون بسیاری شهرهای آن زمان ایران، بخشی از شهربنشینان به فعالیت کشاورزی مشغول بوده‌اند: نویسنده از پنج مزرعه نام می‌برد که در داخل و یا در جوار باروی شهر واقع شده است و نفوس آنها «از سکنه شهر کاشان می‌باشد» (۱۵۰، الف). نام این مزارع چنین است: مزرعه درب فین، مزرعه آب شاه (در حوالی دروازه دولت)، مزرعه مشهور به چهار باغ، مزرعه ناجی آباد و مزرعه فیض آباد حکیم.

در توابع یا حومه شهر، ۸۸۸۴ تن در ۸۵۴ خانه زندگی می‌کنند. قسمت عمده اینان (۶۴۹۶



تن) را ساکنان قریه پشت مشهد تشکیل می‌دهند که نویسنده درباره آن می‌نویسد: «جزو شهر است در خارج بارو اتفاق افتاده جزو حومه شهر نوشته می‌شود» (۱۴۱، ب). پشت مشهد، چهار مسجد و پنج حمام و ۳۲ دکان دارد و زارعان بسیاری از مزارع حومه شهر را ساکنان این قریه تشکیل می‌دهند. نام این مزارع چنین است: صفائی آباد (در حومه شهر)، زیدی، جمال آباد، صالح آباد، عیسی آباد، مراد آباد، یحیی آباد، محمد آباد، غیاث آباد و ملاحیب (۱۵۰، الف).

علاوه بر پشت مشهد، نویسنده نقوص دو قریه و مزرعه دیگر از آبادیهای حومه شهر را جداگانه ذکر می‌کند. نخستین، قریه لتحر است که «در طرف اعلای شهر واقع است از طرفی که به قصر می‌رود» و دیگری مزرعه حسین آباد که از چشممه فین مشروب می‌شود (همانجا). بلوکات کاشان به دو گروه قراء گرم‌سیر و قراء بیلاقی تقسیم شده است که قراء گرم‌سیر خود در سه گروه فرعی رده‌بندی گردیده است.

نخستین این گروههای فرعی پنج قریه آران، بیدگل، نوش آباد، علی آباد، مدآباد و نصرآباد جیرویه است.

در شرحی درباره قریه آران، می‌خوانیم: «قنات و حمام و مساجد و کاروانسرا و دکاکین زیاد دارد» و در گفتگو از تجهیزات شهری و مستغلات خواهیم دید که در آران، ۱۲ مسجد، ۷ حمام و ۷۰ دکان وجود داشته است. «زراعت آنجا نقشی ندارد. مردم آنجا کاسب و اهل صنایع می‌باشند. زنها رسماً نهای خوب به عمل آورده جولاها خوب دارند. ابره قبای آران مشهور است. الیچه رسماً خوب در آنجا می‌باشد. به جهت شلوار وار خالق رعیتی به فروش می‌رود. اگرچه در سالهای گرانی، خیلی خانه‌ها بی‌ساکن دار مانده است الان رو به آبادی آورده است که از قرار مالیات و تعداد نقوص معلوم می‌شود» (۱۵۷، ب).

درباره قریه بیدگل که «مسافت جزیی با شهر دارد» (۱۴۱، ب) نویسنده توضیح می‌دهد «در برابر قریه آران است الا آنکه اهل آران مردمان کودن صادقی هستند و اهل بیدگل باهوش و ذکاء هستند... در جلوی بندربگ واقع است. گرم‌سیر است. در سالهای گرانی به قدر هزارخانه آنجا بی‌صاحب مانده و خراب شده است. الان اندک رو به آبادی دارد» (۱۵۸، الف). در زمان سرشماری، نقوص بیدگل ۳۶۹۵ تن بوده است با ۴۳۵ خانه. این قریه ۶ مسجد و ۷ حمام و ۶۰ دکان داشته است. غرض نویسنده از سالهای گرانی، سالهای قحطی معروف ۱۲۸۸ قمری است.

دومین گروه فرعی، مزارع کبیر طسوج است. یکبار شماره این مزارع ۹۸ ذکر می‌شود (۱۴۶، الف) در حالیکه بار دیگر نام ۱۰۷ مزرعه در زیر این عنوان می‌آید (۱۵۵، الف) و چنین توضیح داده می‌شود که «چون مزارع مختصری است به شرح فردآفرداً نپرداخت. همه گرم‌سیر است. حاصل جو و گندم و جوزق و کرچک دارد. خربزه کاری و تباکوکاری دارند. بعضی قدیم‌النتق است که مالیات قدیم دارد و بعضی جدیدالنتق که در این دولت... آباد شده و مالیات بر آنها وارد آورده‌اند. مالیات آنها نموده می‌شود تا استعداد هر یک از قرینه مالیات



معلوم شود که چقدر بذر و برداشت دارد» (همانجا). از این مزارع، ۴۸ مزرعه قدیم‌النسق و ۶۶ مزرعه جدید‌النسق است. پیش از این دیدیم که مزارع جدید‌النسق، از جمله مزارعی هستند که «بعضی تجار» در زمان ناصرالدین شاه آباد کرده‌اند.

سومین گروه فرعی، قراء‌گرمسیر است که از یازده قریه تشکیل شده است. فین از جمله این گروه است که به فین علیا و فین سفلی تقسیم می‌گردد و درباره آن از جمله می‌خواهیم: «دو قریه می‌باشد که از چشمۀ فین مشروب می‌شود... به قدر ده سنگ مساحی آب دارد... فین علیا و فین سفلی، عمارت‌سلطانی در فین علیا واقع است و فین سفلی عمارت و آبادی معظم دارد. و از آن آب احداث گشته و علاوه از آن دو قریه، بر لتحر و حسن‌آباد و ناجی‌آباد که از مزارع حومه شهرند می‌رود و از حوضخانه‌ها که بیرون می‌رود دو نهر می‌شود یکی از پشت دیوار باغ شاه گذشته وارد باغ و آسیای کلاتر می‌شود و از آنجا با باغات و طواحين جنوبی تقسیم می‌شود و نهر دیگر دارد که از حوضخانه که بیرون می‌آید که حوضخانه زنانه است، به شتر گلوی باغ شاه گردش کرده داخل آسیای خونی می‌شود و از آنجا گذشته به فاصله‌کمی آن دو نهر به هم متصل می‌گردد و از باغات و عمارت‌های عبور کرده تا موضع مقسم به ده جوب و نیم منقسم می‌شود و آبی در آنجا به قدر نیم جوب از چشمۀ دنبلي بیرون می‌آید که زیاده بر دو جوی منقسم می‌شود و این قسمت از قدیم‌الایام برقرار بوده و به قراء و مزارع تقسیم می‌شود و این آب نصف خالصه دیوانی و نصف اربابی است و نصاب قسمت آن را ۳۰۸ طاق قرار داده‌اند. هر طاقی یک روز و هر روزی ۷۵ سرچه گویند. سرچه جامی است که ته آن سوراخ کوچکی دارد که آب را به او پیمایش می‌کنند و هر شش سرچه یک ساعت نجومی می‌شود از این قرار: ۳۰۸ طاق

فین علیا	۴۵ طاق	مزرعه درب فین	۶۷ طاق
فین سفلی	۸۸ طاق	وقف شهر	۸ طاق
حسن‌آباد	۶۷ طاق	مزرعه لتحر	۴۰ طاق

و تقریباً ازین آب و ملک، ده هزار نفس مالک، رعیت و مستأجر گذران می‌کنند (۱۵۳، الف). آخرین گروه از قراء و بلوکات کاشان، قراء بیلاقی است که از ۲۹ قریه تشکیل شده است. در جدول ۱، اطلاعات مربوط به تعداد نفوس و خانه‌های کاشان، توابع و بلوک آن براساس نتایج سرشماری ۱۲۵۸ شمسی ارائه گردیده است.

در آن زمان کل جمعیت کاشان و توابع و بلوک آن ۶۲۸۶۷ تن بوده است که ازین عده ۲۱۶۹۹ تن در شهر کاشان می‌زیسته‌اند. این جمعیت به سه گروه زن، مرد و اطفال تقسیم شده است. معیار تشخیص «اطفال» از «غیراطفال» معلوم نیست و چه‌بسا مبنای این طبقه‌بندی، تعریف «صغری» و «کبیر» از نظر شرعاً باشد و در این صورت گروه «اطفال»، دختران کمتر از نه سال و پسران کمتر از ۱۵ سال را شامل می‌گردد. و احتمالاً در اثر یک چنین گروه‌بندی است که می‌بینیم در برابر ۱۹۱۱۹ زن، در این منطقه ۱۷۵۴۸ مرد وجود داشته است.



جدوال ۱، ۲ و ۳ تعداد نفوس کاشان و توابع و بلوک آن را در سال ۱۲۵۸ نشان می‌دهد.

جدول ۱- کاشان، توابع و بلوک (۱۲۵۸): جمعیت و تعداد خانه‌ها

بلده کاشان	زند	مرد	طفل	کل	خانه‌ها
۴۰۳۷	۷۱۱۱	۶۴۲۲	۸۱۶۶	۲۱۶۹۹	۴۰۳۷
توابع:					
پشت مشهد	۱۶۴۰	۱۵۵۸	۳۲۹۸	۶۴۹۶	۴۶۶
لحر	۷۱	۶۲	۵۲	۱۸۵	۴۵
حسن‌آباد	۹۱	۸۲	۱۱۳	۲۸۶	۹۵
سایر	۵۲۰	۵۰۱	۸۹۶	۱۹۱۷	۲۷۸
بلوکات:					
آران و بیدگل وغیره	۴۰۶۶	۳۶۴۵	۵۹۵۱	۱۳۶۶۲	۱۵۲۸
مزارع کویر طسوج	۲۴۲۳	۲۸۵	۳۹۲	۸۹۳	۹۸
دهات گرسییری	۴۱۹۳	۲۰۵۳	۳۲۲۴	۷۴۸۰	۱۱۵۰
دهات و قره بیلانی	۳۱۸۴	۲۹۶۷	۴۰۹۸	۱۰۲۴۹	۲۵۲۶
جمع کل	۱۹۱۱۹	۱۷۵۴۸	۲۶۲۰۰	۶۲۸۶۷	۱۰۷۰۳

جدول ۲- کاشان، دهات گرسییری (۱۲۵۸): جمعیت و تعداد خانه‌ها

قریه	زند	مرد	طفل	کل	خانه
بیدگل	۱۰۱۸	۹۲۵	۱۷۵۲	۲۶۹۵	۴۳۵
آران	۱۴۱۸	۱۲۱۵	۲۲۴۴	۲۸۷۷	۵۱۲
نوشهر آباد	۱۱۹۷	۱۱۲۸	۱۳۲۹	۲۶۰۴	۲۷۶
علی‌آباد مه‌آباد	۲۷۵	۲۴۲	۳۲۷	۸۴۴	۱۸۵
نصرآباد	۱۵۸	۱۲۵	۲۹۹	۵۹۲	۱۲۰
ساروق	۲۲	۱۸	۵۵	۹۵	۲۵
مشکان، محمود‌آباد، ساردن و...	۸۷	۶۸	۱۱۲	۲۶۷	۲۰
یزد	۲۲۸	۲۹۳	۵۰۷	۱۱۲۸	۲۷۴
طاهر‌آباد	۲۴۵	۲۵۶	۳۲۵	۱۰۲۶	۲۱۱
راوند	۲۸۲	۲۶۳	۴۲۰	۹۷۵	۱۲۲
قزاق	۲۲۵	۲۲۲	۳۶۱	۸۱۸	۹۵
فین سفلی	۳۵۶	۲۲۲	۵۸۵	۱۲۶۳	۱۱۴
فین علیا	۲۲۲	۲۱۸	۴۶۲	۹۱۲	۹۷
نصر‌آباد چیرویه	۳۲	۳۶	۴۰	۹۸	۳۱
خرمدشت	۲۶	۲۲	۳۵	۸۱۳	۱۸
ابوزید‌آباد	۲۲۸	۲۳۵	۳۳۲	۸۱۵	۱۲۸
جمع کل	۶۲۵۹	۵۶۹۸	۹۱۸۵	۲۱۱۴۲	۲۵۷۸

جدول ۳- کاشان، دهات ییلاقی (۱۲۵۸): جمعیت و تعداد خانه‌ها

قریه	جمع کل	۳۱۸۷	۴۰۹۸	۲۹۶۷	خانه	کل	طفل	مرد	زن
قمصر					۴۷۳	۱۲۸۴	۳۸۷	۴۲۵	۴۷۷
فرخانان					۲۹	۱۲۲	۵۹	۳۱	۳۷
فراآن					۴۱	۲۹۵	۱۲۵	۷۲	۸۸
خنه					۵۳	۲۱۵	۹۶	۵۲	۶۷
جزه					۲۲	۹۸	۴۹	۳۱	۳۸
دره					۹۸	۲۹۸	۱۱۱	۱۰۲	۸۵
پرژک					۲۱۵	۷۴۸	۲۲۵	۲۵۱	۷۷۷
دیدوچ سده					۵۲	۳۱۲	۱۹۲	۵۸	۶۴
دنگای سده					۴۶	۲۹۵	۱۲۵	۵۲	۶۸
ازوار سده					۴۵	۲۷۸	۱۴۳	۶۲	۷۴
مرق					۱۱۰	۹۹۷	۲۰۸	۱۳۲	۱۵۷
سادیان					۱۸	۴۶	۱۵	۱۸	۱۳
اسحق آباد					۵۸	۲۸۹	۱۳۸	۶۶	۷۵
قالهر					۳۹	۱۵۸	۷۷	۴۰	۴۹
دربوچقا					۸	۲۲	۹	۸	۵
نشلچ					۱۴۴	۵۶۷	۲۲۸	۱۸۷	۱۵۲
نیاسر (به انضمام ۳۳ مزرعه)					۳۲۸	۱۶۷۳	۶۹۹	۴۹۲	۵۳۴
استرگ برزخ					۹۶	۴۹۹	۲۵۹	۱۱۲	۱۲۸
جوشنان					۱۷۶	۵۵۶	۱۴۴	۱۹۷	۲۱۵
حسنارود					۷۲	۲۵۹	۹۶	۸۵	۷۸
علوی					۲۷	۸۵	۱۴	۳۷	۴۴
پارکرسف					۲۹	۱۲۸	۵۴	۳۷	۴۷
کله					۷۶	۳۱۷	۱۳۴	۹۶	۸۷
ازناوه					۲۵	۱۵۰	۷۰	۳۵	۴۵
رهق					۷۱	۳۲۸	۱۵۵	۸۲	۹۱
ون					۲۴	۱۱۱	۴۴	۴۳	۴۶
وادغان					۴۸	۱۹۴	۸۱	۵۲	۶۱
سار					۴۹	۲۱۰	۸۶	۵۶	۶۸
قه					۴۶	۲۶۵	۱۴۷	۵۶	۶۲
جمع کل	۲۵۳۶	۱۰۲۴۹	۴۰۹۸	۲۹۶۷	۳۱۸۷				

## ۳- ابینه و عمارت و تجهیزات شهری

با عنوان «مستغلات»، نویسنده اطلاعاتی از ابینه و عمارت و تجهیزات شهری کاشان و «برخی قراء حومه و تابع آن» به دست می‌دهد. وی می‌نویسد: «دارالمؤمنین کاشان و پشت مشهد و دهات حومه شهر بسیار بوده، آنچه از تواریخ سالفه کاشان به دست می‌آید دو صنف در کاشان بسیار معتبر بوده یکی شعریافی و دیگر مسگری.

در قدیم هزار و هشتصد دستگاه شعریافی بوده و مسگری هم به شرح ایضاً، چندی بواسطه گرانی و کسادی و تعدی حکام آن دستگاه بهم خورده اکثر آنها متصرف شدند یا در این دولت



جاوید آیت بخصوص این سنت حکومت جناب جلالتماب امیر الامراء العظام آقای اعتضادالدوله که کارگزاران ایشان در صدد تربیت و ترویج ایشان برآمده آنچه لازمه حمایت و مدد سرمایه بود به عمل آورده این دو صنف را رواجی تازه پیدا شده. آنها همچنان سعی در امتیاز اجناس خود نمودند که بسیاری از پارچه‌های ابریشمی ایشان را تجار معتبر از پارچه فرنگ فرق نکرده‌اند و سایر مردم بعینه جنس فرنگ می‌دانند و صنف مسگر چنان در کار خود مشهور شده‌اند که چرخ کار ایشان مسینه‌آلات را از چرخ صاف و شفاف بیرون می‌آورندند و مفضض کرده که در صفا با نقره فرقی ندارد. در این اوقات سماوری ساخته بودند در مجلس جناب جلالتماب آقای اعتضادالدوله که مجلس روضه‌خوانی بود علماء بلد و اعیان شهر حاضر بودند چند نفر از علماء که به دقت ملاحظه نمودند آن سماور را نقره خیال کردند به جهت حرمت صرف اواني طلا و نقره، از مجلس برخاسته رفتند. بعد از آنکه بر آنها معلوم شد که مفوض بوده نه فضله، عذر حرکت خود را خواستند» (۱۴۱، الف و ب).

در ادامه این مبحث، نویسنده تعداد مساجد، حمامها، دکاکین، کاروانسراها، و دستگاههای

شعریانی و دستگاههای جولایی این منطقه را می‌شمرد.

جدول ۴ براساس این اطلاعات تنظیم شده است. در مورد دکاکین شهر کاشان، باید گفت که این رقم شامل ۶۲۵ دکان واقع در بازار و ۲۲۰ دکان واقع در محلات شهر است. نکته دیگر اینکه از ۲۴ کاروانسرای شهر کاشان، نیمی کاروانسرای تاجرنشین بوده است و بالاخره باید گفت که این ارقام نشان می‌دهد که در زمان انعام این «خانه‌شماری» قالیبافی که در دهه‌های بعد، مهمترین صنایع دستی کاشان می‌گردد در منطقه وجودی نداشته است. در ۱۲۵۸ ابریشم‌بافی با اینکه دیگر رونق ایام گذشته خود را نداشته است هنوز هم مهمترین فعالیت صنعتی مردم کاشان بوده است. جایگزین شدن ابریشم‌بافی با قالیبافی چه بسا پس از سالهای آغاز قرن بیست یعنی به دنبال افزایش تقاضای خارجیان برای فرش ایرانی، صورت گرفته باشد.

جدول ۴، مستغلات و تجهیزات شهر کاشان و چند قریه دیگر را که نویسنده «ملاصدق شهر» (۱۴۱، ب) می‌نامد نشان می‌دهد.

#### جدول ۴- کاشان و قراء حومه (۱۲۵۸): مستغلات و تجهیزات شهری

	کاشان	پشت مشهد	بیدگل	آران	نوش آباد	جمع	
۷۶	۶	۱۲	۶	۴	۴۸		مسجد
۴۷	۶	۷	۷	۵	۲۲		حمام
۱۰۴۸	۴۱	۷۰	۶۰	۳۲	۸۴۵		دکانیں
۲۵	-	-	۱	-	۲۴		کاروانسراها
۵۰۶	-	-	۵۸	-	۴۴۸		دستگاه شعریانی
۱۶۰	-	-	۱۶۰	-	-		دستگاه جولایی

#### ۴- قنوات موقوفه

پیش از این دیدیم که ۸ طاق از آب چشمۀ فین وقف شهر کاشان است. نویسنده در جای دیگر (۱۴۴، ب) از «قنوات موقوفه خیرات شهر کاشان که محلات و بیوتات شهر از آنها مشروب می‌شود» گفتگو می‌کند و می‌نویسد که این قنوات «بعضی تمام وقف و بعضی ملکی دارد». نام این قناتها چنین است: قنات مرحوم عبدالرزاقدخان کاشی، قنات مشهور به محمودآباد، قنات صاحبی، قنات نصرآباد شهره، قنات مهدبآباد مشهور به قنات معظم آباد، قنات دولت، قنات میریاقر، قنات فین و قنات صفوی آباد.

#### ۵- معادن کاشان

در جای دیگر نویسنده معادن کاشان را به نحو زیر معرفی می‌کند:

- معدن زاج سفید در حدود قریه ابوزیدآباد است... خاکی است سفیدرنگ حمل کرده به کاشان و سایر بلاد می‌برند، در عمل صباغی و اروسی دوزی به کار می‌روند.

- معدن لاچورد در حدود قریه قمصر، ملکی سادات لاچوردی... اول کوه را کنده صلاحی نمایند و آن سنگ صلاحی کرده را در ظرف پرآبی کرده خرخره کرده سنگ ته نشیند و لاچورد مخلوط به آب شود. آب را ساعتی در ظرف دیگر کنند لاچورد ته نشیند و آب صاف شود. آب را ریخته لاچورد را گلوله کنند و بر ولایات برده بفروشنند. به کار نقاشان می‌خوردو ظروف را از او نقاشی می‌کنند.

- معدن الماس ناقص: در بین قریه قمصر و فران و قهروند است. در میان چند کوه بزرگ بیرون می‌آید. اصل آن از پنهان خاکی است مانند ریواس می‌روید شاخه شاخه به قدر بند انگشت چهار ترک دارد و هشت ترک. به دست آورده به اصفهان می‌برند. از فرارشش هزار می‌فروشنند. اسباب یراق اسب است و بسیار از سرقليانها را مطللا کرده از او به کار می‌برند. شفاف و براق است. در ظاهر الماس نمام است. به کار شیشه بربیدن نمی‌خورد. خطی به شیشه می‌کشد.

- معدن سنگ مرمر: در میان بیابان جوشقان و فرخ آباد امین‌الدوله واقع است. سنگهای یک ذرع طول و عرض در آنجا یافت می‌شود که سفید و صاف است» (۱۴۹، ب).

#### ۶- مال التجاره

ذیر این عنوان، نویسنده اطلاعاتی را به دست می‌دهد که ما را با صادرات و واردات کاشان آشنا می‌سازد. وی این مال التجاره را بر سه گروه تقسیم می‌کند:

گروه نخست: «آنچه از کاشان خارج می‌شود که گمرک دارد که از خود کاشان به عمل می‌آید»: پنبه، رسیمان، مسینه‌آلات ساخته، ریزه بادام و غیره، تنبک، مال قماش.

گروه دوم: «آنچه از خارج وارد می‌شود و گمرک می‌دهد»:

از طرف اصفهان: سقطبار، خشکه بار نظیر، نیل، برنج، مسینه آلات، تباکوی شیرازی،  
قماش ریسمانی (گمرک ندارد)، فرش (گمرک ندارد).

از طرف فزوین و قم: برنج، زاج و آهن، گل رنگ، حبوبات، پنبه دانه، روغن.

از طرف کرمانشاهان: مازوج، تکیر، چرم، سقطبار، حبوبات.

از طرف یزد: سقطبار، روناس، مسینه آلات، نیل، سقطبار شیرازی که از طرف یزد می آورند.

از طرف خراسان: مسینه از طرف نیشابور، تونجیین، جل و نمد اسب، اسقرک، کوله که  
اسباب صباغی است، پنبه دانه.

از طرف رشت و مازندران: برنج، سقطبار

از طرف قم و ساوه: دوشاب، کشمکش

گروه سوم: «اجناسی که از ولایات وارد می شود و خارج می شود و در کاشان فروش نمود»:  
ابریشم، گندم و جو، دوشاب، تباکو، پنیر شور.

